

ایرانی تیار سده ۱۲ق/۱۸م.

نامش میرمحمد هاشم مشهور به موسوی خان و اصلش از گیلان بود. پدرش محمدشفیع، فرزند علی گیلانی از سادات موسوی و از فاضلان اورنگ آباد به شمار می رفت (گوپاموی، ۱۶۱؛ اقتخار، ۵۶). جرئت تا ۱۴ سالگی زیر نظر پدر، پرورش یافت. در دوره جوانی، به پشتوانه استعدادی که داشت، به دستگاه امیرالامرا سیدحسین علی خان یارهی (د ۱۱۲۹ق)، والی دکن راه یافت و به سمت قلعه داری دهارور، از توابع اورنگ آباد منصوب گشت (عظیم آبادی، ۳۵۷-۳۵۶؛ آزاد، ۲۳۶، ۲۳۷). در ۱۱۳۱ق در رکاب سیدحسین علی خان به دهلی رفت و در آنجا از محضر استادان و شاعرانی مانند میرزا عبدالقادر بیدل (د ۱۱۳۳ق) و میرعبدالجلیل بلگرامی (د ۱۱۳۸ق) بهره مند شد (گوپاموی، عظیم آبادی، همانجاها).

پس از کشته شدن والی دکن در ۱۱۳۲ق/۱۷۲۰م، جرئت به دارالانشای آصف جاه (۱۰۸۲-۱۱۶۲ق/۱۶۷۱-۱۷۴۹م) - یکی از بنیان گذاران آصفیان دکن - راه یافت و به دبیری و منشیگری پرداخت. او در دوره نواب امیرالممالک به معزالدوله ملقب و به سمت چهارهزاری منصوب شد. جرئت در اواخر عمر، پسرش مستعدخان را جانشین خود ساخت و از مناصب دولتی کناره گرفت تا سرانجام، احتمالاً در دکن درگذشت. جرئت گیلانی طبعی لطیف داشت و از فصاحت و بلاغت کلام برخوردار بود (اقتخار؛ عظیم آبادی، همانجاها؛ گوپاموی، ۱۶۲). نمونه هایی از سروده های وی در تذکره ها باقی مانده است (نک: قاقشال، ۹۶-۱۰۰؛ آقابزرگ، ۱۹۲/۱۱۹). جرئت اثری به نثر دارد، موسوم به منشآت موسوی خان که مشتمل بر احکام و فرمانهای رسمی آصفیان دکن است (نک: منزوی، ۳۳۷/۶؛ نوشاهی، ۱۰۵؛ بهادر، ۶۰/۳).

۳. جرئت لکهنویسی، شاعر پارسی گوی شبه قاره. نامش قلندر بخش و از خاندان امانی دهلی بود. در شاه جهان آباد (دهلی) به دنیا آمد. ولی مدتها در لکهنو اقامت داشت (آزده، ۳۲؛ شوق، ۳۰۲). او در جوانی نابینا شد (مصحفی، ۷۱). یک چند از حمایت میرزاسلیمان شکوه بهادر بهره مند گردید (شیفته، ۱۱۲). جرئت لکهنویسی از شاگردان محمدجعفر حسرت بود و روزگاری از ملازمان تجمل حسین خان به شمار می رفت (صبا، ۱۶۶؛ شیفته، همانجا) او افزون بر شعر و شاعری، در نجوم و موسیقی نیز دستی داشت و در نواختن سه تار استاد بود (مصحفی، همانجا). جرئت افزون بر فارسی به اردو نیز شعر می سرود. در غزل دستی توانا داشت. دیوانی از وی شامل مثنوی، رباعی، غزل، مخمس در دست است (تسیبھی، ۱۹۳؛ منزوی، ۲۰۲۹/۹).

به جز ۳ شاعر یاد شده، سرایندگان دیگری نیز با تخلص جرئت بودند که اطلاعات بسیار اندکی درباره آنها وجود دارد

(نک: بهگوان، ۴۹-۵۰؛ آفتاب رای، ۱۵۳، اصلح، ۴۸).

ماخذ آزاد بلگرامی، میرغلام علی، سرو آزاد، به کوشش عبداللہ خان و مولوی عبدالحق، لاهور، ۱۹۱۳م؛ آزده، محمد صدرالدین، تذکره آزده، به کوشش مختارالدین احمد، کراچی، ۱۹۷۴م؛ آفتاب رای لکهنوی، ریاض العارفین، به کوشش حسام الدین راشدی، اسلام آباد، ۱۳۹۶ق/۱۹۷۶م؛ آقابزرگ، الذریعة؛ اصلح کشمیری، محمد، تذکره شعرائ کشمیر، به کوشش حسام الدین راشدی، کراچی، ۱۳۴۶ش؛ اقتخار، عبدالوهاب، تذکره بی نظیر، به کوشش سید منظور علی، اللہ آباد، ۱۹۴۰م؛ بهادر، میرعثمان علی، فهرست کتب عربی و فارسی و اردو مخزنه کتب خانہ آصفیہ، حیدرآباد دکن، ۱۳۴۷ق؛ بهگوان داس ہندی، سفینہ ہندی، به کوشش سیدشاہ محمد عطاء الرحمان کاکوی، پتہ، ۱۹۵۸م؛ تسیبھی، محمدحسین، نسخہ های خطی کتابخانہ گنج بخش، اسلام آباد، ۱۹۷۶م؛ خلیل، علی ابراہیم، صفحہ ابراہیم، به کوشش عابد رضا بیدار، پتہ، کتابخانہ خدابخش؛ خوشگو، بندر ابن داس، سفینہ، به کوشش سیدشاہ محمدعطاء الرحمان کاکوی، پتہ، ۱۳۷۸ق/۱۹۵۹م؛ شوق، قدرت اللہ، تذکره طبقات الشعراء، به کوشش نثار احمد فاروقی، لاهور، ۱۹۶۸م؛ شیفته، نواب محمدمصطفی خان، تذکره گلشن بی خار، لاهور، ۱۹۷۳م؛ صبا، محمدمنظر حسین، تذکره روز روشن، به کوشش محمدحسین رکن زاده آدمیت، تہران، ۱۳۴۳ش؛ عظیم آبادی، حسینقلی، تذکره نشر عشق، به کوشش اصغر جانفزا، دوشنبہ ۱۹۸۱م؛ قاقشال، افضل، تحفہ الشعراء، به کوشش حفیظ قتیل، ۱۹۶۱م؛ گوپامای، محمد قدرت اللہ، نتایج الاثکار، بمبئی، ۱۳۳۶ق؛ مصحفی ہمدانی، غلام، تذکره ہندی، لکهنو، ۱۹۸۵م؛ منزوی، خطی مشترک؛ نوشاهی، عارف، فهرست نسخہ های خطی فارسی، انجمن ترقی اردو، کراچی اسلام آباد، ۱۹۸۴م؛ نیز:

Hadi, N., *Dictionary of Indo-persian Literature*, New Delhi, 1995.
پریسا سنجابی

جریج، راحب بنی اسرائیلی که در زمان قنوت وحی - دوره پس از ظهور عیسی (ع) و پیش از بعثت پیامبر اکرم (ص) - می زیست و متهم به زنا شد، اما به سخن درآمدن و شهادت دادن نوزاد زنی که چنین تهمتی به او زده بود، بی گناهی او را ثابت کرد. چنان که از منابع موجود پیدا است، نخستین بار نام و احوال جریج تنها از طریق احادیث نبوی و در دوره اسلامی رواج یافته است. با این همه، برخی از محققان به سبب تشابه نام و داستان جریج، با نام و ماجرای زندگی قدیس گرگوریوس تائوماتورگوس، احتمال داده اند که حکایت جریج از جانب مسیحیان در بین مسلمانان رواج یافته، و آنگاه در احادیث پیامبر یا منسوب پیامبر (ص) نیز منعکس شده است (EI, II/602). احادیث نقل شده از پیامبر (ص) درباره جریج بر ۳ گونه اند: حدیثی که مضمون آن چنین است که اگر جریج راحب فرد عالمی بود، می دانست که پاسخ به مادرش از عبادت پروردگارش برتر است؛ احادیثی که شرح حال جریج در آنها آمده است؛ و احادیثی که به ۳ نوزاد سخنگو اشاره دارند و در شرح یکی از آنها به داستان جریج می پردازند. به این ترتیب، صورتهای گوناگون این احادیث، به مؤلفان قدیم این امکان را داده است که به فراخور موضوع آثارشان به اجمال یا به تفصیل از آنها بهره گیرند.

1. Gregorius Thaumaturgus

ISAM DM.

258040

نهمم، تهران، ۱۳۹۵

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد .

Jurayj

Jurayj is an Israelite ascetic (Ar. *‘ābid* or *rāhib*) of proverbial piety whose story is recounted by the prophet Muḥammad in the *ḥadīth* literature. In *ḥadīths*, Jurayj refuses to abandon his prayers and his hermitage (*ṣawma‘a*), despite his mother’s repeated calls to come to her. Exasperated at her son, she asks God to beset him with harlots (*mūmisāt*). God answers her prayers by sending a woman of ill repute who attempts, unsuccessfully, to seduce Jurayj. After he scorns the woman, she seeks out a shepherd and lies with him in order to become pregnant with a child, whom she subsequently claims to be Jurayj’s son. When word spreads of Jurayj’s bastard amongst the townspeople, they destroy his hermitage and curse his false piety. His reputation is, however, at last redeemed, when the bastard infant speaks from the cradle and tells the crowd that he is, in fact, the child of a shepherd.

This prophetic *ḥadīth* is invariably transmitted on the authority of the Companion Abū Hurayra (d. 57/678, or slightly later), and its chain of transmitters (*isnād*) almost always includes authorities from Basra, suggesting that the *ḥadīth* originated in that city (Wensinck, 8:46b, s.v. Jurayj).

Horovitz (78–89) noted the similarities between the story of Jurayj and an episode from the hagiographical *Life* of Gregory Thaumaturgus (“the wonderworker,” d. 268) written by Gregory of Nyssa (d. c.395) (Slusser, 47–8), upon which the *ḥadīth* narrative apparently depends. It is plausible that one of the Syriac re-tellings—rather than the Greek original—of Gregory’s life that include the anecdote (e.g., Bedjan, 6:101–3; cf. van Esbroeck) was the source of the *ḥadīth* about Jurayj. The

name Jurayj is an abbreviated, Arabicised form of Grygwryws, Gregory’s name transcribed into Syriac. Gregory Thaumaturgus appears early in Eastern Christian Arabic historiography as a wonderworking monk famous for worshipping alone in his cell (Scher, 233, chap. 6, *aqām^a fī kirh^a munfariḏ^m*), and in some of the earliest versions of the *ḥadīth*, such as the one appearing in the *Jāmi‘* of Ma‘mar b. Rāshid (d. 153/770) (‘Abd al-Razzāq, 11:135; cf. Ibn Ḥanbal, 13:437), the woman who tempts Jurayj is called a harlot (Ar. *zāniya*), just as the woman in earlier Syriac accounts of George Thaumaturgus is called *zanāyṭā*.

In later centuries, Ṣūfīs cited the *ḥadīth* about Jurayj as an important admonishment against solipsistic piety (Radtke and O’Kane, 55–6; Renard, 25–6), and belletrists found in its story a colourful depiction of the wiles (*kayd*) of women (e.g., Ibn al-Qiṭ‘a, 186–7).

BIBLIOGRAPHY

SOURCES

‘Abd al-Razzāq al-Ṣan‘ānī, *al-Muṣannaf*, ed. Ḥabīb al-Raḥmān al-A‘zamī, 12 vols. (Beirut 1430/1983²); Paul Bedjan (ed.), *Acta martyrum et sanctorum Syriace*, 7 vols., Leipzig 1890–7, facs. repr. Hildesheim 1968; al-Bukhārī, *al-Adab al-mufrad*, ed. Muḥammad Fu‘ād ‘Abd al-Bāqī, Beirut 1989; Michel van Esbroeck, Les versions syriaques du Panégyrique de Grégoire le Thaumaturge, *ARAM* 5 (1993), 537–53; Ibn Ḥanbal, *al-Musnad*, ed. Shu‘ayb Arna‘ūt et al., 50 vols. (Beirut 1993–2001), 13:434–7, 14:542–3, 15:369–70; Ibn al-Qiṭ‘a, *Ibtilā’ al-akhyār bi-l-misā’ al-ashrār*, ed. Riyāḏ Muṣṭafā al-‘Abdallāh, Beirut 1992; Addai Scher (ed. and trans.), Histoire nestorienne inédite. *Chronique du Séert*, pt. 1, *Patrologia Orientalis* 4 (1908), 213–313; Gregory Thaumaturgus, *St Gregory Thaumaturgus. Life and works*, trans. Michael Slusser, Washington DC 1998.

CÜREYC

(جُرَيْجٌ)

* خبره مع الرأفة -

بخ - ك ٢٧ ب ٧؛ ك ٤٦ ب ٣٥؛

ك ٦٠ ب ٤٨ قا ٥٤

مس - ك ٤٥ ح ٧ و ٨

حم - ثاب ص ٣٠٧ قا ٣٠٨

و ٣٨٥ و ٤٣٣ قا ٤٣٤

* كَانَ يُصَلِّي فَدَعَتْهُ أُمُّهُ فَلَمْ

يَجِيبَهَا -

مس - ك ٤٥ ح ٧ و ٨

حم - ثاب ص ٣٠٨ و ٣٨٥ و ٤٣٣ قا

٤٣٤

* بَقِضَ أَمْرِهِ -

حم - ثاب ص ٣٩٥

(جَرِيرٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْبَجَلِيُّ)

* دُعَاةُ النَّبِيِّ صَلَّى لَهُ -

مج - المقدمة ب ١١

حم - رابع ص ٣٦٢ و ٣٦٥

03 EKİM 1994

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

WENSINCK AREN JEAN, MİFTAHU KÜNUZÜ'S-SÜNNE.

Trc: ABDÜLBAKİ MUHAMMED FUAD, BEYRUT 1983. ss . 111

KISALTMALAR:

DİA DM NO: 04160.

بخ = صحيح البخاري، مس = صحيح مسلم، بد = سنن أبي داود، تر = سنن الترمذي، نس = سنن النسائي، مج = سنن ابن ماجه، مى = سنن
الدارمي، ما = موطأ مالك، ز = مسند زيد بن علي، عد = طبقات ابن سعد، حم = مسند احمد بن حنبل، ط = مسند الطيالسي، هش = سيرة ابن
هشام، قد = مغازي الواقدي